

[مسأله: قتل یک مرد توسط دو زن 2](#_Toc511331945)

[استدلال به روایت محمد بن مسلم بر قصاص متعدد در مقام 2](#_Toc511331946)

[ضعف سند روایت 2](#_Toc511331947)

[استدلال به نصوص مشارکت در قتل بر اساس الغای خصوصیت 3](#_Toc511331948)

[عدم امکان تعدی از روایت به فرض قتل یک زن توسط دو مرد 3](#_Toc511331949)

**موضوع**: قتل به تسبیب/مراتب تسبیب/مرتبه چهارم /اشتراک در طرف /قتل عمد /کتاب القصاص

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در مسائل اشتراک در جنایت، به مسأله قتل یک مرد توسط دو زن می رسد.

با توجه به این که در عبارت مرحوم محقق ره و دیگران، جنایت مشترک جنایتی تعیین است که در آن فعل واحد منتسب به افراد متعدد به نحو اشاعه باشد، در مقابل جایی که این انتساب به نحو تعینی است؛ لذا در صورتی که قطع عضوی به نحو مشاع منتسب به افراد متعدد باشد؛ موضوع ادله قصاص از متعدد است، ولی در جایی که جنایت بر طرف به نحو متعین منتسب به افراد متعدد بود؛ قصاص افراد متعدد ممکن نیست، به عنوان مثال در جایی که یک چاقو از بالا و چاقوی دیگر از پایین دست را بریده باشد؛ هیچ یک از دو جارح قصاص نخواهند شد.[[1]](#footnote-1)

مورد دیگری که جنایت مشترک بر طرف به حساب می آید؛ جایی است که ولو فعل و جنایات متعدد است، اما قطع عضوی که اتفاق افتاده اشت، منتسب به افراد متعدد می باشد و این گونه نیست که نیمه بالایی به کسی و قطع نیمه پایینی این دست، منتسب به دیگری باشد.

مرحوم صاحب ریاض قدس سره مثالی را برای عدم صدق انتساب به جمیع مطرح نموده است که مربوط به اره ای دو طرفه است که به تناوب توسط دو شخص عضو مجنی علیه را بریده است و از آن جا که در آن اشتراک به نحو معین است نه مشاع، امکان قصاص هر دو به قطع عضو به دلیل عدم انتساب قطع کامل به هر کدام را منتفی دانسته است؛ «فلو قطع كل واحد منهم جزءاً من يده لم يقطع أحدهم، بل يكون على كلّ منهم حقّ جنايته؛ لانفراده بها، و كذا لو وضعوا منشاراً و نحوه على عضوه و مدّه كل واحد مرّة إلى أن حصل القطع؛ لأنّ كل واحد لم يقطع بانفراده و لم يشارك في قطع الجميع، فإن أمكن الاقتصاص من كلّ واحد على حدة ثبت بمقدار جنايته، و إلّا فلا.»**[[2]](#footnote-2)**

اما مرحوم آقای خویی ره نسبت به یک فرض از آن چه در کلمات قوم، به عنوان جنایت اشتراکی به نحو تعیینی به حساب می آید؛ قائل به قصاص متعدد شده است؛ و آن صورتی است که یک نفر چاقو را در قسمت پایینی دست مجنی علیه و دیگری در قسمت بالای آن قرار دهد، در این صورت ولو مشهور قائل به تحقق جنایت اشتراکی نشده اند، و هر کدام از جارحین را مستحق قصاص نسبت به جنایت خود دانسته اند، اما ایشان این مورد را بر اساس صدق عرفی، از موارد اشتراک در جنایت دانسته است. «إذا وضع أحد سكّيناً فوق يده و آخر تحتها و ضغط كلّ واحد منهما على سكّينه حتّى التقيا، فذهب جماعة إلى أنّه ليس من الاشتراك في الجناية، بل عل كلّ منهما القصاص في جنايته، و لكنّه مشكل جدّاً. و لا يبعد تحقّق الاشتراك بذلك، للصدق العرفي.»*[[3]](#footnote-3)*

مسأله: قتل یک مرد توسط دو زن

اگر قاتل یک مرد دو زن بودند، ولی دم می تواند هر دو را قصاص کند.

استدلال به روایت محمد بن مسلم بر قصاص متعدد در مقام

مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع عَنِ امْرَأَتَيْنِ قَتَلَتَا رَجُلًا عَمْداً قَالَ تُقْتَلَانِ بِهِ مَا يَخْتَلِفُ فِي هَذَا أَحَدٌ.***[[4]](#footnote-4)***

ضعف سند روایت

استدلال مرحوم خویی ره به این امر، مبتنی بر روایت محمد بن مسلم است که آن هم به دلیل وجود محمد بن عبدالله بن هلال در سندش، ضعیف به حساب می آید، مگر بر اساس مبنای اولیه ایشان در تصحیح افراد حاضر در اسناد کامل الزیارات که البته در اواخر عمرش از این مبنا دست کشید و فقط مشایخ بلاواسطه ابن قولویه را صحیح دانست.

لذا بر مسلک مشهور که اعتماد بر رجال کامل الزیارات ندارند و حتی بر مسلک نهایی ایشان که از غیر مشایخ بلاواسطه این روایت قابل توثیق نیست؛ چرا که محمد بن عبدالله بن هلال از مشایخ بدون واسطه مولف نیست، لذا این روایت از اعتبار ساقط است.[[5]](#footnote-5)

استدلال به نصوص مشارکت در قتل بر اساس الغای خصوصیت

اما با این وجود، عجیب این است که مرحوم آقای خویی ره بدون توجه به نصوص مختلفی که در مورد جنات متعدد، وارد شده است، به این روایت مخدوش السند استناد نموده است، در حالی که به واسطه قاعده ای که در گذشته در مورد عناوینی مثل رجل بیان شد؛ می توان در این موارد که حکم روی عنوان رجل (رجلان) رفته است؛ از این عنوان الغای خصوصیت نمود و لذا حکم اشتراک دو مرد در قتل دیگری را به این مورد که مجنی علیه به واسطه دو زن کشته شده است؛ تسری داد.

در مسأله حاضر، رد فاضل دیه موضوع ندارد؛ چرا که با توجه به این که دیه زن نصف دیه مرد است، جنایت هر یک از این دو زن، مساوی با مقدار دیه آنها می باشد، لذا موضوعی برای فاضل دیه باقی نمی ماند، مگر این که سه زن یا بیشتر یک مرد را به قتل برسانند.

به مانند سایر موارد، در این فرض نیز ولی دم می تواند یکی از دو قاتل را عفو نموده و از او مطالبه دیه کند، ولی در عین حال، دیگری را قصاص نماید، بر بر اساس همان ادله ای که تخییر را در گذشته اثبات نمود.

اما در موردی که سه زن یک مرد را کشته باشند، با توجه به استدلال مرحوم آقای خویی ره به روایت محمد بن مسلم و عدم شمول آن نسبت به این فرض، دلیلی بر قصاص متعدد در دست نخواهد داشت، مگر اینکه به فحوی و اولویت امکان قصاص در فرض قصاص قاتلان مرد متعدد.

در این فرض، بحث فاضل دیه موضوع دارد، و بر اساس همان قاعده ای که در سایر موارد بدان عمل شده است، در این جا قصاص هر سه مستلزم رد سدس دیه به هر یک از آن ها می باشد.

عدم امکان تعدی از روایت به فرض قتل یک زن توسط دو مرد

مورد روایتی که مرحوم آقای خویی ره در مقام، بدان استناد نموده است؛ قتل یک مرد توسط دو زن است، حال اگر دو مرد یک زن را کشته باشند، نمی توان به واسطه الغای خصوصیت، حکم را به این مورد نیز تسری داد؛ چرا که در اینجا عنوان موجود در روایت، موضوع حکم دیگران واقع شده است و بر اساس قاعده پیش گفته الغای خصوصیت جایی ندارد، مگر اینکه از راهی علم به عدم فرق حاصل شده باشد.

1. . [شرائع الإسلام، جعفر بن الحسن بن یحیی (المحقق الحلّی)، ج4، ص187.](http://lib.eshia.ir/71613/4/187/) [↑](#footnote-ref-1)
2. . [ریاض المسائل، سید علی طباطبایی، ج16، ص199.](http://lib.eshia.ir/27154/16/199/) [↑](#footnote-ref-2)
3. . [موسوعة الامام الخوئی، السید أبوالقاسم الخوئی، ج42، ص33.](http://lib.eshia.ir/71334/42/33/) [↑](#footnote-ref-3)
4. . [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج10، ص183.](http://lib.eshia.ir/10083/10/183/) [↑](#footnote-ref-4)
5. . این مبنا بر اساس شهادت مرحوم ابن قولویه در مقدمه کتاب کامل الزیارات حاصل شده است. [↑](#footnote-ref-5)